

دو فصلنامه علمی تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری دانشگاه الزهرا (س)
سال سی‌ام، دوره جدید، شماره ۲۵، پیاپی ۱۱۰، بهار و تابستان ۱۳۹۹ / صفحات ۲۶۸-۲۴۳
مقاله علمی - پژوهشی

گونه‌شناسی مطالعات شعوبیه در دوره معاصر (غرب، جهان عرب و ایران)^۱

قاسم قریب^۲

جواد عباسی^۳

سیدجلال رجایی^۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۷/۲۴

چکیده

واکاوی ماهیت جنبش شعوبیه از جمله حوزه‌های مطالعاتی در میان پژوهشگران تاریخ اسلام، ایران‌شناسان و متخصصان تاریخ ادبیات است. از این رو پژوهش‌های پرشماری در قالب کتاب، مقاله و پایان‌نامه در زبان‌های مختلف به بررسی جنبش شعوبیه اختصاص یافته است. با این حال، هر دسته از پژوهشگران بسته به اینکه از زاویه تاریخ، ادبیات یا ایدئولوژی سیاسی زمانه به شعوبیه نگریسته باشند، به نتیجه متفاوتی پیرامون ماهیت این جنبش رسیده‌اند. مسئله پژوهش حاضر گونه‌شناسی مطالعات شعوبیه در دوره معاصر است که می‌توان آن را به سه گونه مختلف تقسیم کرد. مطالعات شعوبیه در سه حوزه غرب، جهان عرب و ایران گونه‌های مزبور هستند. این گونه‌شناسی صرفاً بر اساس مسائل جغرافیایی و قومی نیست، بلکه مربوط به نوع نگاه و تفسیرهای متفاوت پژوهشگران حوزه‌های پیش‌گفته درباره شعوبیه است. پژوهشگران غربی، جنبش شعوبیه را یک نهضت ادبی خالص می‌دانند و آن را در حد یک حرکت فکری مندرج در متون می‌کاهند. بسیاری از پژوهشگران عرب با پیش‌فرض ضداسلامی بودن حرکت‌های شعوبی سده‌های نخستین، در دو سطح علمی و سیاسی ایدئولوژیک با آن مواجه شدند. در سطح نخست، پژوهشگران عرب کوشیدند تا تبیین تاریخی از جنبش

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/HPH.2020.31981.1449

۲. دانشجوی دکتری تاریخ، گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی: ghasem.gharib@mail.um.ac.ir

۳. دانشیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول): jabbasi@um.ac.ir

۴. استادیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد: rajaei-sj@ferdowsi.um.ac.ir

مزبور ارائه دهند و در سطح دوم آن را به تحولات خاورمیانه معاصر و نقش ایرانیان در سیاست منطقه‌ای پیوند زدند. تحقیقات ایرانی و آثار فارسی مرتبط با مطالعات شعوبیه گونه سوم از پژوهش‌های این حوزه محسوب می‌شوند. پژوهش‌های ایرانی از آغاز تحت تأثیر ترجمه پژوهش‌های غربی و عربی بود و جز در موارد بسیار اندک موفق به شناخت ابعاد مختلف جنبش شعوبیه نشد.

واژگان کلیدی: گونه‌شناسی، مطالعات شعوبیه، غرب، جهان عرب، ایران

مقدمه

تاریخ‌پژوهانی که تاریخ اسلام در عصر عباسیان و تاریخ ایران سده‌های نخستین را می‌کاوند، ناگزیر از بررسی جنبش شعوبیه هستند. شناخت شعوبی مسلکان و ضدشعوبی‌ها دغدغه تحقیقاتی پژوهندگان تاریخ ادبیات نیز محسوب می‌شود؛ زیرا بروز و ظهور شعوبی‌گری و ضدیت با آن بیش از همه در اشعار و متون ادبی بازتاب یافته است. با وجود اهمیت جنبش مزبور و داده‌های فراوان و شواهد پرشماری که از تأثیرگذاری شعوبی مسلکان و ضدشعوبی‌ها بر ادبیات، عقاید و حرکت‌های سیاسی موجود است، تحقیق تاریخی و ادبی مستقل در پیوند با آن اندک است. چرایی کمبود پژوهش‌ها در این زمینه می‌تواند موضوع یک مقاله مستقل باشد، اما این تحقیق در پی بررسی گونه‌شناسی تحقیقات ویژه و مستقل مطالعات شعوبیه در غرب، جهان عرب و ایران در دوره معاصر و شناسایی تفسیر خاص آنان پیرامون این جنبش است. مراد از تحقیقات مستقل، همه کتاب‌ها، مقالات و پایان‌نامه‌هایی است که مسئله اصلی پژوهش و عنوان آنها به بررسی جنبش شعوبیه اختصاص یافته است. این پژوهش‌ها و تألیفات پیرامون شعوبیه را می‌توان در سه دسته مطالعات غربی، عربی و ایرانی تقسیم‌بندی کرد. این تقسیم‌بندی نه تنها براساس معیارهای جغرافیایی و قومی، بلکه بر مبنای نگرش هر یک از دسته‌های پیش‌گفته به شعوبیه و درکی است که از آن حاصل شده است. همچنین مراد از گونه‌شناسی، دسته‌بندی صوری تحقیقات تخصصی شعوبیه به کتاب، مقاله یا پایان‌نامه نیست و آنچه معیار گونه‌شناسی قرار گرفته، نوع نگرش هر گونه از مطالعات به ماهیت جنبش شعوبیه ایرانی سده‌های نخستین اسلامی است. تاکنون پژوهش مستقلی با موضوع گونه‌شناسی مطالعات شعوبیه نوشته نشده است. رویکرد نوشتار حاضر توصیفی تحلیلی است و در کنار معرفی گونه‌های مختلف پژوهش‌های شعوبیه، نقاط قوت و ضعف نگرش هر دسته از تحقیقات مزبور را بررسی می‌کند. مبنای گونه‌شناسی پژوهش‌های شعوبیه در غرب، جهان عرب و ایران دوره معاصر بر نوع تفسیر و ارزیابی هر دسته از پژوهشگران حوزه‌های پیش‌گفته استوار شده است. همچنین عنصر زمان و ترتیب تألیف پژوهش‌ها نیز لحاظ شده است تا از این طریق نوآوری‌ها

و تغییر نگرش‌ها به ماهیت این جنبش در طول زمان بهتر درک شود. دستاورد این پژوهش علاوه بر گونه‌شناسی مطالعات شعوبیه، دسترسی به پیشینه‌ای پژوهشی تخصصی کامل درباره جنبش شعوبیه در دوره معاصر نیز خواهد بود.

۱. مطالعات شعوبیه در غرب

پژوهش‌های علمی درباره شعوبیه از غرب آغاز شد و نخستین پژوهشگری که توجه جدی به این عرصه نشان داد، ایگناس گلدزیهر خاورشناس مجارستانی بود. او جنبش شعوبیه را در ذیل جنبش‌های اسلامی قرار داد و فصل چهارم و پنجم از جلد نخست کتاب *مطالعات اسلامی* خود را به آن اختصاص آن داد. گلدزیهر جنبش شعوبیه را متشکل از گروهی از نویسندگان، ادیبان و شاعرانی می‌دانست که همگی در شمار نخبگان و روشنفکران جامعه ایرانی بودند (Goldziher, 1967: 137/1). شعوبیه به‌عنوان یک جنبش، دارای مبانی فکری بود و تلاش می‌کرد تا از آموزه‌های اسلام و از ابزار ادبیات برای بیان خواسته‌های خویش استفاده کند، اما فروکاستن آن به یک نهضت ادبی از واقعیت تاریخی دور است. با این وجود، گلدزیهر این جنبش را یک نهضت کاملاً ادبی تفسیر و تقلای اعضای آن را در لابه‌لای سطور متون ادبی جست‌وجو کرد (Ibid: 177/1). گلدزیهر تلاش شعوبیه‌ها در عصر اول خلافت عباسی را در راستای صعود آنان به عرصه قدرت تفسیر می‌کرد (Ibid: 137-142/1). او واکنش جناح ضدشعوبی به برتری‌طلبی شعوبیه را در جعل کردن احادیثی از پیامبر اسلام و سایر بزرگان برای کوتاه‌کردن دست ایرانیان از قدرت سیاسی و بازداشتن مردم جامعه از عمل به رسوم و سنت‌های ایرانی می‌دید (Ibid: 142-143). گلدزیهر تعریف شعوبیه را به غیر ایرانیانی تعمیم داد که با اندیشه برتری عرب بر عجم مبارزه می‌کردند و از نبطی‌ها و قبطی‌های مصر یاد کرد (Ibid: 144-148). منابع کهن نظریه گلدزیهر را تأیید می‌کنند و شعوبی‌مسلمانان را متشکل از گروه‌های قومی مختلف شامل نبطی‌ها، قبطی‌ها، ایرانیان، اندلسی‌ها، زط‌ها و زنگیان معرفی می‌کنند (قاسم‌بن‌سلام، ۱۴۱۰: ۸۸). باین‌وجود، از منظر گلدزیهر تردیدی وجود نداشت که ایرانیان در به راه‌اندازی و هدایت جریان شعوبی‌گری در جهان اسلام در میان همه ملل، رتبه نخست را داشته‌اند (Goldziher, 1967: 148/1). از نظر گلدزیهر شیوه‌های شعوبیه برای مبارزه با اندیشه برتری عرب بر غیرعرب شامل به رخ کشیدن تاریخ باستانی ایران، اشاره به غیر عرب‌بودن اکثریت پیامبران و تأکید بر سخنوری ایرانیان و ستایش از اندیشه سیاسی آنان در دوران پیش از اسلام بوده است (Ibid: 154-161). گلدزیهر فرقه‌گرایی در جهان اسلام را جزو منفعت‌طلبی شعوبیه برای برهم‌زدن اتحاد جامعه مسلمانان ارزیابی می‌کرد. در مجموع، نگاه

گلدزیهر به شعوبیه، ناظر به جنبه ادبی این جنبش است و در حالی که داده‌های مفیدی راجع به کنش‌های ادبی و علمی آنان گردآوری کرد، اما لایه‌های سیاسی نهان قضیه در پژوهش او بسیار کمرنگ است.

شرق‌شناس مشهور همیلتون گیب دومین پژوهشگری بود که پس از گلدزیهر به شعوبیه توجه نشان داد. او در مقاله کوتاه «اهمیت اجتماعی شعوبیه» این جریان را یک حرکت فرهنگی نامید و نظر گلدزیهر مبنی بر ادبی بودن یا مبتنی بودن آن را بر تمایلات ملی‌گرایانه زیر سؤال برد (Gibb, 1962: 62). از نظر گیب، گرایش عبدالحمید کاتب و ابن‌مقفع به زنده‌کردن روش‌های اداری و میراث مکتوب ایران باستان، نمود شعوبی‌گری در سده دوم هجری است (ibid: 64). با مطالعه مقاله او درمی‌یابیم که مراد او از ستیز فرهنگی میان شعوبیه و ضدشعوبیه، رقابت میان دو قشر جداگانه از دیوانیان با دو گرایش متفاوت بوده است (ibid: 66). در واقع گیب بیش از هرکس دیگری معنای شعوبیه را تقلیل داد و آن را به کنش دبیران ایرانی تنزل داد. همیلتون گیب جنبش شعوبیه را متشکل از ایرانیانی می‌دانست که خواهان زنده‌کردن سنت ساسانی بودند (گیب، ۱۳۶۲: ۵۹). گونه غربی مطالعات شعوبیه بر آراء گلدزیهر و گیب بنا شد و پژوهشگران غربی از دریچه نگاه این دو تن به شعوبیه نگریستند.

روی پی متحده در مقاله «مجادله شعوبیه و تاریخ اجتماعی ایران در سده‌های نخستین اسلامی» به بررسی جنبش شعوبیه و پیوند آن با تاریخ اجتماعی پرداخت. این مقاله یکی از اثرگذارترین پژوهش‌های گونه غربی مطالعات شعوبیه است و هنوز محل استناد پژوهشگرانی است که به این عرصه وارد می‌شوند. متحده در ابتدای مقاله، پرسشی دو سویه و اساسی مطرح می‌کند که برای تبیین ماهیت جریان شعوبیه بسیار راه‌گشاست. آیا ایرانیان حقیقتاً یک ملت و از فاتحان عرب متفر بودند؟ (Mottahedeh, 1976: 161). در افتادن ایرانیان با فرهنگ و رسوم عربی و ایراد اتهام غیرمسلمانی به این دسته از سوی نویسندگان عرب وابسته به خلافت نشان می‌دهد که پاسخ به پرسش دو وجهی مزبور مثبت است (ibid). باین‌حال نگرش کلی متحده به شعوبیه تقلیل‌گرایانه است، زیرا اولاً تحت تأثیر نگاه کلیشه‌ای گلدزیهر، شعوبیه را یک جریان صرفاً ادبی می‌داند و ثانیاً مسائل مطرح‌شده در اشعار آنان را سیاسی نمی‌داند (Ibid: 162). او در تحلیلی ساده‌اندیشانه بیان می‌کند که اشاره شعوبی‌ها به ماجرای مارمولک‌خوری اعراب یک مسئله سیاسی نمی‌تواند باشد (ibid) و همین نوع نگاه سبب شد تا او جنبش شعوبیه را یک حرکت پراکنده از سوی اقوام غیرعرب جهان اسلام بداند (ibid: 163). از نظر متحده تحلیل گلدزیهر از جنبش شعوبیه تحت تأثیر ملی‌گرایی اتریش-مجارستان بود و به‌همین دلیل شعوبیه را بیش از آنچه بوده نمایانده است (ibid: 163). متحده تفسیر همیلتون

گیب از کنش‌های شعوبی را به واقعیت نزدیک‌تر می‌داند و مانند او آشکارا معتقد است که شعوبیان نه به دنبال تنش‌آفرینی، بلکه در پی بازسازی فرهنگی قومیت‌های مختلف در نظم نوین اسلامی بودند (ibid). بخشی از مقالهٔ متحده صرف اثبات این موضوع شده که آیا شعوب به غیرعرب اطلاق می‌شده است یا خیر (ibid: 171-163) که طرح آن به شناخت ماهیت این جریان کمک نمی‌کند و به‌منزلهٔ درگیر شدن نویسنده با اسم و از یاد بردن مسمای مسمای آن است. برخی گزاره‌های نویسنده دربارهٔ شعوبیه در حکم کلی‌گویی و مردود است. مانند آنجا که مدعی است شعوبیه به دنبال اثبات خود بودند نه نفی دیگری (ibid: 171). یکی از ایرادات اساسی تبیین متحده از جریان شعوبیه، پراکنده‌دیدن آن است، به‌عنوان مثال او به اشعار ملی‌گرایانه بشار بن برد استناد می‌کند (ibid: 173)؛ اما به دلیل فقدان ارائهٔ مبانی نظری منسجم در مقاله‌اش از تحلیل اندیشه او در بافت کلان مکتب شعوبیه ناتوان است. واقعیت این است که متحده در پیگیری نقش شعوبیه در تاریخ اجتماعی نیز ضعیف عمل کرد و اعتراضات قومی شعوبیه را به طبقهٔ دهقانان و اشراف جامعهٔ ایرانی منحصر دانست (ibid: 181) و از نقش تودهٔ مردم که عامل پیش‌برندهٔ آن بودند غفلت ورزید.

«تاریخ‌نگاری و جنبش شعوبیه» نوشتهٔ غزال دبیری استاد ایرانی دانشگاه گنت بلژیک از آخرین پژوهش‌های گونهٔ غربی است که به‌صورت تخصصی دربارهٔ شعوبیه نوشته شده است. همان‌طور که از عنوان مقالهٔ او برمی‌آید، دبیری در پی واکاوی تأثیرگذاری اندیشهٔ شعوبیه بر تاریخ‌نگاری ایران و اسلام در سده‌های نخستین است. مراد از تأثیرگذاری نیز چیزی جز حضور تاریخ اسطوره‌ای ایران و شخصیت‌های اوستایی و باستانی در میراث مکتوب ایران پس از اسلام نیست (Dabiri, 2013: 218). دبیری تفسیر طبری را به‌عنوان مطالعهٔ موردی برگزید و رسوخ روایات اوستایی را در داستان‌های تفسیری آن خاطر نشان کرد (ibid: 220-223). در تحقیق دبیری، شعوبیه تعریف نشده است، اما از قراین تحقیق او پیداست که جنبش مزبور را به تأثیرگذاری ادبی و متنی خلاصه می‌کند و سویه‌های اجتماعی برای آن قائل نیست. افزون‌بر این، دبیری نمونه‌های متعدد و متنوع از بازتاب روایات دینی و ادبیات عامهٔ ایرانیان پیش از اسلام را در میراث مکتوب دوران اسلامی، در متن تحقیقش بیان نکرد. یکی از ارکان شناخت روایات شعوبی، بررسی رجالی اسناد آن است که در حکم شناخت راویان این قبیل گزارش‌هاست و اتفاقاً در کتاب‌های طبری به دلیل بیان کامل سلسله سند گزارش کاملاً قابل ردیابی است، اما دبیری به بررسی آن توجهی نشان نداده است.

تفسیر پژوهشگران غربی از جنبش شعوبیه یک نهضت کاملاً ادبی است و آنان واکنش ایرانیان به سلطهٔ تازیان را بیشتر در محتوای اشعار و منابع ادبی می‌جویند. این تحلیل سبب شد

در گونه غربی مطالعات شعوبیه، این جنبش که سویه‌های اجتماعی و سیاسی قدرتمندی داشته به یک گرایش فکری در ادبیات فروکاسته شود. براین اساس، نخبگان شعوبیه در این گونه از آثار به شخصیت‌های ادبی شامل نویسندگان و شاعران محدود شدند و به چهره‌های سیاسی این جنبش توجه کمتری نشان داده شد.

۲. مطالعات شعوبیه در جهان عرب

شگفت است که عرب‌ها نسبت به ایرانیان پژوهش‌های بیشتر و علمی‌تری درباره شعوبی‌گری ایرانی پدید آورده‌اند. شاید یکی از دلایل اصلی این امر علاوه بر نزدیک بودن حوزه جغرافیایی برخی از کشورهای عرب به دانشگاه‌های معتبر غربی، رجوع به منابع اولیه شناخت جنبش شعوبیه باشد که بیشتر آنها عربی است. از آنجا که سرچشمه‌های اصلی شعوبی‌گری، اشعار تازی شاعران ایرانی شعوبی است، به صورت طبیعی احاطه محققان عرب بر منابع ادبیات عرب و تاریخ اسلام از همتایان ایرانی‌شان بیشتر است و ضمناً درک عمیق‌تری هم به محتوای اشعار دارند. پژوهش‌هایی که در گونه عربی مطالعات شعوبیه تألیف شده‌اند، بیشتر در قالب کتاب عرضه شد و خود به دو جریان علمی و ایدئولوژیک دسته‌بندی می‌شود. در جریان نخست، محققان عرب تصویر دقیق و علمی از فضای فکری سده‌های نخستین اسلامی و چرایی واکنش شعوبی‌ها به وضعیت موجود ارائه دادند. در جریان دوم، مطالعات شعوبیه با هدف تخریب چهره ایرانیان معاصر صورت گرفت و نویسندگان آن کوشیدند تا بحث دشمنی ایرانیان با دین اسلام را پر رنگ جلوه دهند و آن را تا روزگار معاصر امتداد دهند. سوگیری در جریان دوم تحقیقات عربی مرتبط با شعوبیه سبب شد ادبیات این کتاب‌ها نیز از لحن علمی دور شود و رنگ و بوی سیاسی بگیرد.

۲.۱. پژوهش‌های علمی

فصل سوم از باب نخست کتاب ضحی الاسلام اثر دکتر احمد امین پژوهشگر برجسته مصری به شعوبیه اختصاص یافت. امین یک دوره تاریخ عمومی اسلام تألیف کرد که شامل سه مجموعه مجزا به نام‌های فجر الاسلام، ضحی الاسلام و ظهیر الاسلام است. مجموعه سه جلدی ضحی الاسلام تاریخ دوران خلافت عباسی است و جلد اول آن بررسی تاریخ و اوضاع اجتماعی و فرهنگی جهان اسلام در عصر اول عباسی را دربرمی‌گیرد. به دلیل حضور پر رنگ ایرانیان در عرصه دیوان‌سالاری خلافت عباسی و تقویت گرایش‌های شعوبی در جهان اسلام، احمد امین یک فصل کامل از ضحی الاسلام را به بررسی پدیده شعوبیه و جوانب مختلف آن

اختصاص داد (الامین، بی تا: ۷۸/۱-۴۹). احمد امین گرایش‌های فکری دوره اول عباسیان را در سه جریان برابری‌خواه، شعوبی و ضدشعوبی دسته‌بندی کرد و مبانی فکری و استدلال‌های هر یک را شرح داد (همان: ۵۳/۱-۴۹). او در ضمن معرفی جریان شعوبیه در اسلام به نکات بسیار مهمی اشاره کرد که مهم‌ترین آنها منحصر نبودن شعوبی‌گری و ملی‌گرایی به ایرانیان و وجود چنین گرایشی در میان نبطی‌ها، قبطی‌ها و اندلسی‌هاست (همان: ۵۹/۱). گرچه امین در تحلیل چرایی تکوین جریان شعوبی‌گری ادعا کرد که ظهور این پدیده ناشی از اعتقاد نداشتن حقیقی ملل غیر عرب به دین اسلام و برتری‌دادن قومیت بر مذهب بوده است (همان: ۵۸/۱)؛ در موضع دیگری با رعایت انصاف در قضاوت، شعوبی‌ها را دارای گرایش‌های مختلف دانست و بیان کرد که برخی از آنان قائل به برابری میان عرب و غیرعرب بودند و دشمنی با عرب و دین اسلام نداشته‌اند (همان: ۵۹/۱). احمد امین در ادامه مطالب فصل سوم کتابش به معرفی مشاهیر شاعران شعوبی و اشعار آنان و جواب‌هایی پرداخت که مدافعان تفکر ضدشعوبی مطرح کرده بودند (همان: ۷۸/۱-۶۳). تحلیل احمد امین از جریان شعوبی‌گری کوتاه و روشن‌گرانه است؛ اما برخی نکات تاریخی از نظر او مغفول مانده است. امین به دوره‌بندی دقیقی از شعوبیه نرسیده است و جریان برابری‌خواه را موازی با جریان شعوبیه می‌داند؛ درحالی‌که پیدایش گرایش‌های شعوبی که متمایل به برتری‌دادن غیرعرب بر عرب بود با شکست پروژه برابری‌خواهی آغاز شد. نقص دیگر پژوهش امین مانند مطالعات غربی، به تقلیل‌دادن جنبش شعوبیه به یک حرکت ادبی بازمی‌گردد؛ درحالی‌که نمودهای تفکر شعوبی را نه فقط در ادبیات بلکه در علوم دینی و به‌ویژه احادیث موضوعه و نیز در اندیشه سیاسی و شعارهای رهبران جنبش‌های سیاسی ضد خلافت می‌توان بازجست. احمد امین که با تیزبینی متوجه اختلاف نظر زبان‌شناسان در زمینه تعریف شعوبیه شد، معتقد بود که نام شعوبیه ابتدا بر برابری‌خواهان اطلاق می‌شد، اما به تدریج برای دشمنان عرب هم استفاده کردند و مصطلح شد (همان: ۵۵/۱).

احمد امین منکر ظهور شعوبیه در عصر اموی است و این جنبش را به صورت کامل به دوره عباسی نسبت می‌دهد. او معتقد است که اگر این جنبش به عنوان یک گروه یا فرقه در عصر اموی ظهور کرده بود، باید از نظرگاه ساختمان واژه و اصطلاح به سایر فرقه‌های آن دوره شباهت می‌یافت. فرقه‌های عصر اموی نام‌هایی همچون خوارج، شیعه، مرجئه و معتزله دارند و اضافه‌شدن پسوند یاء به اسامی جنبش‌ها، مخصوص عصر عباسی است که نام‌هایی چون قدریه، راوندیه و جهیمیه داشتند. اصطلاح شعوبیه شبیه به نام فرقه‌هایی است که در دوره عباسی پدید آمدند؛ بنابراین دور از ذهن نیست که در عصر عباسیان موجودیت یافته باشد (همان: ۵۷/۱). ادعای احمد امین از لحاظ تاریخی، نادرست است؛ زیرا فرقه قدریه را معبد

جهنی و غیلان دمشقی پدید آوردند (ابن القتیبه، ۱۹۹۲: ۴۸۴؛ البغدادی، ۱۴۰۸: ۱۴؛ الاسفراینی، بی تا: ۱۹؛ ابن رشد، ۱۹۹۸: ۱۳؛ الجرجانی، ۱۳۲۵: ۳۷۷/۸) و هر دوی این افراد در عصر بنی امیه می زیستند و حجاج بن یوسف و هشام بن عبدالملک آنها را به قتل رساندند (فخرالدین الرازی، ۱۴۱۳: ۱۱؛ قاضی عبدالجبار، ۱۹۶۲: ۱/۸؛ ابن کثیر، ۱۴۰۷: ۳۴/۹). استدلال دیگر احمد امین مبنی بر پیدایش شعوبیه در عصر عباسیان، این است که نخستین فردی که اصطلاح شعوبیه را به کار برد جاحظ در کتاب *البيان و التبيين* بود و دیگران این اصطلاح را از او گرفته و اقتباس کردند و رواج دادند (الامین، بی تا: ۵۷/۱). نظر امین در این زمینه صحیح است و قدیمی ترین آثار مکتوبی که در آن نام شعوبیه ذکر شده کتاب های جاحظ (۲۵۵-۱۶۰) است. اصطلاح شعوبیه پس از جاحظ به صورت گسترده در مجموعه های ادبی بزرگی همچون *العقد الفرید* و *الغانی* به کار رفت و تثبیت شد (همایی، ۱۳۶۳: ۷۷). با این وجود، دور از ذهن است که اصطلاح شعوبیه تولید ذهن جاحظ باشد؛ زیرا جاحظ و ابن قتیبه در آثار خویش نظر شعوبی مسلکان در ارتباط با مأخوذبودن نام این جنبش از واژه قرآنی را رد می کنند که این امر نشانگر ساخته شدن این اصطلاح و استناد به آن پیش از عصر جاحظ و ابن قتیبه است.

احمد امین در ادامه استدلال هایش پیرامون انکار حضور فیزیکی شعوبیه در عصر اموی، در حالی که می داند که اسماعیل بن یسار نخستین شاعر بزرگ شعوبی مسلک در اواخر سده نخست و اوایل سده دوم هجری حیات فیزیکی و فکری داشته است، به گزارش ابوالفرج اصفهانی در شعوبی بودن این شاعر تردید کرد و مدعی شد که ابوالفرج از جانب خود چنین نسبتی را به اسماعیل بن یسار داده؛ زیرا جنبش شعوبی در آن زمان وجود نداشته است. امین برای اثبات مدعایش به آوردن مثال تاریخی متوسل شد و بیان کرد که سلمان فارسی در متون تذکره ای صوفیان نخستین صوفی نامیده می شود؛ در حالی که جریان تصوف بعدها به وجود آمده و در واقع، سلمان یک مسمی برای اسم صوفی بوده؛ آن چنان که اسماعیل بن یسار مسمایی برای اسم شعوبی بوده است (الامین، بی تا: ۵۷/۱). ابوالفرج اصفهانی، اسماعیل بن یسار شاعر عصر اموی را از اعضای جنبش شعوبی خوانده است و این امر گواه وجود این اندیشه در عصر اموی است. بیشتر پژوهشگران آغاز پیدایش اندیشه شعوبی در معنای تفاخر ایرانی بر عرب را با اسماعیل بن یسار آغاز می کنند و به گفت و گوی او با این خلیفه اموی استناد می کنند (قدوره، ۱۹۷۲: ۵۴؛ الدوری، ۱۹۸۱: ۲۴؛ ابراهیم جفال، ۱۹۸۶: ۲۶۷؛ همایی، ۱۳۶۳: ۳۴؛ ممتحن، ۱۳۵۴: ۲۲۵). در مجموع، احمد امین تلاش می کند تا موجودیت شعوبی مسلکان را در دوره اموی انکار کند و آن را برساخته دوره عباسی بنامد و بداند. حتی اگر بپذیریم که جنبش شعوبیه با همین نام در دوره اموی وجود نداشته و اصطلاح آن در دوره عباسی رواج یافته

است، این مسئله هرگز به معنای فقدان اندیشه شعوبی در دوره اموی نمی‌تواند باشد، زیرا به گواه منابع، مبانی فکری این مکتب را نخبگان ایرانی عصر اموی تبلیغ می‌کرده‌اند. با همه این تفاسیل، احمد امین آغازگر شناخت علمی و سامان‌مند شعوبیه در گونه پژوهش‌های عربی است و نگرش او به این جنبش تأثیر عمیقی بر پژوهشگران بعدی برجای نهاد.

کتاب *الشعوبیه و اثرها الاجتماعی و السیاسی فی الحیة اسلامیة فی العصر العباسی الأول* نوشته دکتر زاهیه قدوره استاد دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه لبنانی بیروت از بهترین و جامع‌ترین تحقیقات پیرامون شعوبیه است. او از محدود پژوهشگرانی است که تأثیر شعوبی‌گری را به متون فرونمی‌کاهد و تأثیرات آن را در تاریخ اجتماعی می‌جوید. از همین رو، تمرکز موضوعی کتاب قدوره بر عصر نخست خلافت عباسی است که اوج تقلا و شکوفایی جنبش شعوبیه محسوب می‌شود و نویسنده در پی یافتن تأثیر جریان فکری مزبور بر مؤلفه‌های زندگی اجتماعی توده‌های مردم است. قدوره با پیوند زدن جنبش شعوبی به موالی، نقش آنان را در قیام‌هایی چون مختار و عبدالرحمن بن اشعث تحلیل می‌کند (قدوره، ۱۹۷۲: ۵۸ و ۵۵). او معتقد است اساساً شعوبیه در عصر نخست خلافت عباسی در قالب تفکر زنادقه بازتاب یافته و بدون رجوع به افکار زندیقان نمی‌توان به اندیشه‌های شعوبیان پی برد (همان: ۱۲۷). با اینکه براساس عنوان کتاب قدوره، تأثیر شعوبی‌گری بر زندگی اجتماعی باید یکی از ارکان اصلی مسائل کتاب او می‌بود؛ اما باب سوم که به همین مسئله اختصاص یافته، نحیف‌ترین و کم‌حجم‌ترین بخش پژوهش اوست. شاید این ضعف بیش از آنکه متوجه نویسنده باشد، ناظر به فقر مطالب اجتماعی و نگاه به زندگی روزمره مردم در منابع کهن باشد. در هر حال، قدوره برخی شاخصه‌های تأثیرگذاری شعوبیه را در مسائلی همچون پیشرفت علوم (همان: ۱۷۸) رواج رسوم و جشن‌های ایرانی در دربار (همان: ۱۸۹) و نفوذ موسیقی ایرانی در اجتماعات عربی (همان: ۱۹۰) بررسی کرده است. باین وجود، پژوهش قدوره یکی از جزئی‌نگرترین و منصفانه‌ترین پژوهش‌های گونه عربی درباره شعوبیه ایرانی سده‌های نخستین محسوب می‌شود. یکی دیگر از پژوهش‌های مفید عربی در زمینه شعوبیه کتاب *مظاهر الشعوبیه فی الأدب العربی حتی نهاییه القرن الثالث الهجری* تألیف دکتر محمد نبیه حجاب استاد دانشکده دارالعلوم دانشگاه قاهره است. نبیه حجاب برخلاف قدوره، نمود شعوبیه را تنها در قالب ادبیات دیده و به‌همین دلیل ساختار کتابش مشتمل بر دو باب است که اولی تأثیر شعوبیه بر شعر و دومی تأثیر آن را بر نثر بررسی می‌کند (نبیه حجاب، ۱۳۸۱: ۳۱۴-۲۷۳ و ۴۳۰-۳۹۷). در جریان علمی مطالعات شعوبیه توجه به ادبیات و شعر این جنبش امری طبیعی است؛ زیرا پژوهشگران این جریان عمیقاً با میراث مکتوب شعوبیه ایران که به زبان عربی ارائه شده بود، آشنا بودند و

به‌طور طبیعی بر این وجه از آثار شعوبی‌ها تأکید بیشتری داشتند.

الزندقة و الشعوبیه فی العصر العباسی الأول پژوهش کوتاهی از حسین عطوان است که زندیقان و شعوبیان بزرگ دوره نخست خلافت عباسی را به خواننده معرفی می‌کند. عطوان تعریف درستی از شعوبی‌گری در دوره نخست عباسی ارائه نمی‌کند و به‌همین دلیل ۱۳ تن از تازی‌سرایان ایرانی‌نژاد را در زمره زندیقان معرفی کرده و تنها دو تن از همین افراد را که بشاربن‌برد و ابونواس (عطوان، بی‌تا: ۲۰۰-۱۶۹) هستند، زیرمجموعه شعوبیه قرار داده است. او حتی در معرفی شعوبی‌گری شاعران بزرگ پیش‌گفته هم موفق عمل نکرد و در عوض ارجاع‌دادن به اشعاری از ابونواس که رنگ‌وبوی ملی‌گرایی دارد به اشعار مجون او استناد کرد. تحلیل‌های عطوان به‌این‌دلیل مطرح شد که او نتیجه بگیرد که بزرگان جنبش شعوبیه و زندقه از میان ایرانیان برخاستند و هدف آنان از میان‌بردن شریعت اسلامی و نابودی حاکمیت عربی و برقراری دوباره آیین‌های باستانی و دولت ایرانی پیش از اسلام بود (عطوان، بی‌تا: ۹). باوجودآنکه پژوهش عطوان ظاهر علمی و مستند خود را حفظ کرده است، نگرش او آشکارا حکایت از سوگیری در جهت غیراسلامی نشان‌دادن جنبش شعوبیه ایرانی است.

عبدالعزیز دوری مورخ مصری در کتاب *الجذور التاريخیه للشعوبیه* تلاش کرد تا ریشه‌های پیدایش جنبش شعوبیه در سده‌های نخستین اسلامی را بشناساند. او نیز در شمار مورخان است که شعوبیه را به یک جنبش مبتنی بر متن خلاصه نمی‌کند، سویه‌های اجتماعی و سیاسی برای آن قائل است. دوری بیش از آنکه به تحلیل چرایی جنبش شعوبیه بپردازد درگیر توصیف مراحل و گونه‌های مختلف ظهور شعوبی‌گری شده است. مسائلی همچون نقش ایرانیان در پیروزی خلافت عباسی، تأثیر خاندان‌های بزرگ ایرانی مانند برمکیان و آل سهل در وزارت عصر عباسی، حضور ایرانیان در بخش اداری و دیوان‌های حکومتی اعراب و پیوند فکری ایرانیان با برخی اقلیت‌های دینی و مذهبی از محورهای اثرگذاری شعوبیه بر تحولات تاریخ اسلام است (الدوری، ۱۹۸۱: ۶۱-۳۶). عبدالعزیز دوری با بررسی آثار شعوبی و روایات برجای‌مانده از آنان و نیز با استناد به گفتار جاحظ در مبارزه با شعوبی‌مسلمانان، معتقد است که هیچ جنبه‌ای از معارف و اعتقادات اسلامی حتی قرآن و حدیث از تهاجم نویسندگان شعوبی در امان نمانده است (همان: ۵۴). از نظر دوری جنبش شعوبیه در جبهه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی و نظامی فعالیت می‌کرد، به‌گونه‌ای که رد آنان را در قیام‌های عربی مانند نهضت مختار و ابن‌اشعث از یک‌سو و قیام‌های ایرانی همچون مقنع و بابک می‌توان جست (همان: ۱۱-۱۰). براساس این تحلیل با اینکه برخی از شعوبی‌ها به اعتقاد به دیانت اسلامی تظاهر می‌کردند، اما هدف نهایی همه آنان از میان‌بردن مشروعیت عربی-اسلامی، براندازی خلافت و محوکردن

اسلام بود (همان: ۱۱). دوری بر آن است که حرکت شعوبیه، منحصر به یک قشر یا طبقه معین نبود، بلکه یک جریان فرهنگی از سوی اقوام و ملت‌های مختلف برای براندازی خلافت عربی - اسلامی محسوب می‌شد. (همان: ۱۲) از تحلیل کوتاه دوری در فصل نخست کتابش می‌توان به دیدگاه‌های ضدشعوبی او پی برد. براساس تحلیل‌های مزبور، دوری معتقد است آن دسته از گزارش‌هایی که از تحقیر ایرانیان و ستم بر آنان در منابع عربی ذکر شده، فقط نمونه‌ی برخی داستان‌هاست که شامل بعضی از عرب‌ها و بعضی از ایرانیان می‌شود و عمومیت رفتار عرب با موالی را نمایندگی نمی‌کند (همان: ۱۷). چنین تحلیلی ناشی از برداشت‌های یک‌سویه و کاملاً جانبدارانه است؛ زیرا منطق حکم می‌کند که گزارش‌های موجود در منابع تاریخی و ادبی را نه استثناء، بلکه چکیده و تصویری از وضعیت عمومی و اصطلاحاً مشتی نمونه‌ی خروار بدانیم. عبدالعزیز دوری از تاریخ‌نویسان مشهور مصری است و پژوهش او را باید در شمار جریان علمی از گونه‌ی عربی مطالعات شعوبیه محسوب کرد، اما تقلای او برای مبراکردن عرب‌ها از قوم‌گرایی در سده‌های نخستین اسلامی در متن کتاب او مشهود است.

الشعوبیه و الأدب أبعاد و مضمونات از جدیدترین پژوهش‌های عربی پیرامون جنبش شعوبیه است که خلیل ابراهیم جفال آن را به رشته‌ی تحریر درآورده است. با آنکه نام کتاب، تداعی‌کننده‌ی یک تحقیق ادبی است، بخش اعظم محتوای آن به مسائل تاریخی اختصاص یافته است. تحلیل ابراهیم جفال درباره‌ی شعوبیه، تا اندازه‌ی زیادی مبتنی بر نگاه‌های ضد ایرانی اوست. او ادعاهای شعوبیان علیه عرب را ساختگی و غیرواقعی می‌داند و از سخنان شعوبی‌مسلمانان درباره‌ی پیشینه‌ی تاریخ عرب پیش از اسلام از عنوان «اتهام شعوبیان به عرب‌ها در زمینه‌ی عقب‌ماندگی تمدنی» استفاده می‌کند (ابراهیم جفال، ۱۹۸۶: ۱۵۴). ابراهیم جفال با اشاره به اینکه ادبیات، زاده‌ی محیط اجتماعی است؛ جنبش شعوبیه را یک حرکت ادبی قوم‌گرایانه می‌داند که در پی مقاومت در برابر عرب و سیطره‌ی سیاسی آنان بوده است. (همان: ۷) او معتقد است این جنبش ادبی، ادیبان و نویسندگان زمان خویش را به دو دسته‌ی طرفداران شعوبی‌گری و ضد آن تقسیم کرد (همان). از نظر ابراهیم جفال همه‌ی تکاپوهای شعوبی‌های ایرانی، معطوف به کنش سیاسی برای از بین بردن مشروعیت بیگانگان بود. از این‌رو شعوبیه یک جنبش قومی و نژادی مخالف با عرب بود که هدفش از بین بردن حکومت و ایجاد آشفتگی در دیانت و تولید تردید در پیشینه‌ی فرهنگی و تمدنی عرب و بازفرستادن آنان به بادیه‌های عربستان بود (همان: ۴۰۹). با این حال، ابراهیم جفال برخلاف نبیه حجاب، با یکی انگاشتن موالی و شعوبیه، مخالف است و همه‌ی ایرانیان را دارای تمایلات قوم‌گرایی نمی‌داند (همان: ۸).

۲,۲. پژوهش‌های سیاسی - ایدئولوژیک

دسته‌ای از تألیفات گونه عربی عنوان شعوبیه دارند، اما به معنای دقیق کلمه، پژوهش علمی محسوب نمی‌شوند. این کتاب‌ها و مقالات بیشتر در عراق عصر صدام حسین و با هدف پیوند زدن مکاتب ایرانی با اندیشه‌های ضداسلامی منتشر شده‌اند. جعفریان در مقاله‌ای کتاب‌شناسانه که با هدف معرفی منابع و تحقیقات شعوبیه و ضد شعوبیه به نگارش درآورده، فهرستی از این کتاب‌ها را در دسترس ما گذاشته است (جعفریان، ۱۳۷۵: ۳۳-۲۸). برای نمونه فردی به نام فاروق عمر الفوزی چندین کتاب درباره شعوبی‌گری تألیف کرده و هدف اصلی‌اش بیش از آنکه بررسی علمی تاریخچه جنبش شعوبیه باشد؛ پیوند زدن انقلاب ایران با شعوبی‌گری جدید و متهم کردن ایرانیان به قیام علیه نظام عقیدتی اسلام است (همان: ۲۹-۲۸). جعفریان از چندین مقاله نام می‌برد که در کنگره‌ای با عنوان «نقش تخریبی شعوبی‌گری در اندیشه اسلامی و عربی» که حزب بعث و در زمان جنگ ایران و عراق منتشر کرد و هدف اصلی آن نشان دادن استمرار اندیشه شعوبی‌گری ایرانی از سده‌های نخستین تا وقوع انقلاب ایران و تحریک مسلمانان عراق برای نبرد با ایران است (همان: ۳۰). عناوین پژوهش‌های منتشر شده در پیوند با شعوبیه در عراق عصر صدام آشکارا از سوگیری آنها علیه جنبش شعوبیه ایران حکایت و به غیرعلمی بودن محتوای آنان دلالت دارد. از نمونه این کتاب‌ها می‌توان شعوبیه؛ جنبش مغایر با اسلام و امت عربی و نیز شعوبیه؛ نخستین دشمن عرب نام برد (همان: ۳۰ و ۲۸). برای روشن شدن محتوای پژوهش‌های مزبور به اختصار به معرفی دو نمونه بسنده می‌کنیم. نخستین مقاله نسبتاً مفصل با عنوان «عرب در مواجهه با تلاش‌های مخرب ایرانیان در عصر عباسی (۴۴۷-۱۳۳ق)» از توفیق سلطان البوزبکی استاد دانشگاه موصل است که در مجله الرافدین منتشر شده است. پیش‌فرض نویسنده از سطور ابتدای مقاله مبتنی بر این اصل است که اسلام‌پذیری ایرانیان یک امر کاملاً ظاهری و برای نفوذ در امت عربی بوده است (سلطان البوزبکی، ۱۴۱۰: ۹۹). او براساس همین پیش‌فرض برمکیان را نفوذیان شعوبی در قامت دیوان‌سالار می‌داند که برای تضعیف خلافت عربی می‌کوشیدند (همان: ۱۰۸). از نظر سلطان بوزبکی همه حرکت‌های اعتراضی و مسلحانه پس از ابومسلم برای برافکندن دولت عربی و زنده‌گرداندن روحیه ملی در میان ایرانیان بود (همان: ۱۱۹-۱۱۳). فاروق عمر فوزی در مقاله «ماهیت جنبش شعوبیه» با پیوند زدن ملی‌گرایی معاصر به جنبش شعوبیه ایرانی سده‌های نخستین، پیامدهای تفکر مزبور را برای مسائل اجتماعی و فرهنگی جهان عرب برشمرد. او شعوبیه را گروه‌های قومی غیرعربی می‌دید که هدف اصلی‌شان ضربه زدن به موجودیت امت عربی بود (عمر فوزی، ۱۴۰۵: ۱۹۷). برای مثال عمر فوزی معتقد است همانگونه که ایرانیان

زرتشتی پیش از اسلام با محارم خود آمیزش می‌کردند و اعتقادات آنان مبین با اصل ازدواج در اسلام بود، اندیشه‌های شعوبیه جدید نیز در پی سست‌کردن بنیان خانواده در جهان عرب است (همان: ۲۰۱-۱۹۹). ناگفته پیداست که چنین قضاوت‌هایی تا چه اندازه بر مطالعات تاریخی استوار است. باین‌وجود، برخی استنتاجات موجود در این مقاله‌ها ممکن است با واقعیت‌های تاریخی منطبق باشد، اما از آنجا که هدف نویسندگان خدمت به یک جریان سیاسی است، لحن بیان مطالب از ادبیات علمی فاصله گرفته است. افزون‌براین، نویسندگان وابسته به حزب بعث در نقد شعوبیه ایرانی دچار یک تناقض نظری آشکار بودند، زیرا جنبشی را به‌صورت بی‌رحمانه به بوته نقد می‌سپردند که با وجه ملی‌گرایانه ایدئولوژی حزب بعث تطابق تام داشت. گرچه مانیفست اصلی احزاب بعث جهان عرب مبتنی بر اصول مکتب کمونیسم بود، بخشی از آرمان‌های آنان در اندیشه‌های ناسیونالیسم عربی جمال عبدالناصر ریشه داشت و از این‌رو نقد جنبش شعوبیه در تضاد با بخشی از مبانی نظری حزب بعث محسوب می‌شد.

در گونه عربی مطالعات شعوبیه، نگاه فراگیرتری از این جنبش را پژوهشگران جهان عرب ترسیم کردند. گرچه وجه ادبی جنبش شعوبیه به‌صورت دقیق و با جزئیات بسیار سودمند در این گونه از آثار کنکاش شده است، از سایر ابعاد این جنبش غفلت نشده است. پژوهشگران عرب به‌درستی تأثیر جنبش شعوبیه در سیاست، اجتماع و فرهنگ عربی و حتی در فرقه‌گرایی و نقش آنان در علوم دینی را به روشنی کاویده‌اند و به نتایج عمیقی دست یافته‌اند. باین‌حال، پیش‌فرض این‌گونه از مطالعات شعوبیه معمولاً بر نگرش منفی به جنبش شعوبیه بنا شد و همین امر سبب شد تا در داوری نهایی پژوهشگران عرب، کنش شخصیت‌های این جنبش در عرصه‌های مختلف ادبی، سیاسی، اجتماعی و دینی برای جهان عرب و اسلام مخرب ارزیابی شود.

۳. مطالعات شعوبیه در ایران

سنت نگارش تحقیق به روش علمی در ایران سابقه طولانی ندارد و نخستین نمونه‌های پژوهش در حوزه تاریخ، از نظر روش علمی چندان معتبر نیستند. باین‌وجود با کمال تعجب و تأسف باید گفت که تألیفات محققان نسل‌های پیشین در حوزه شعوبیه بسیار روشنگرتر و علمی‌تر از تحقیقاتی است که در سالیان اخیر در همین عرصه نوشته شده‌اند. جلال‌الدین همایی و حسین علی‌ممتحن با وجود تعلق داشتن به نسل نخست و دوم محققان دانشگاهی ایران، آثاری در زمینه شعوبیه از خود به یادگار گذاشتند که به مراتب از تحقیقات فارسی اخیر،

منسجم‌تر و دقیق‌تر است. شاید به جرأت بتوان گفت که پس از تألیفات این دو، ابهامی جدید از ساحت مطالعات شعوبیه در ایران زدوده نشد و ارجاعات و استدلال‌های آن دو در قالب‌های مختلف کتاب، مقاله و پایان‌نامه تکرار شد.

جلال‌الدین همایی نخستین پژوهشگر ایرانی است که درباره شعوبیه و اهمیت آن در تاریخ ایران و اسلام به صورت مستقل به تألیف پرداخت. گرچه کتاب شعوبیه همایی را منوچهر قدسی یکی از شاگردانش، به مناسبت سومین سالگرد درگذشت او در سال ۱۳۶۳ ش در اصفهان منتشر کرد، در واقع این کتاب، همان سلسله یادداشت‌های همایی با موضوع شعوبیه بود که نیم قرن پیش از آن در میان سال‌های ۱۳۱۳ تا ۱۳۱۴ شمسی در مجله مهر منتشر شده بود. همایی در نخستین یادداشت پیرامون شعوبیه، با اشاره به کتاب‌های فجرالاسلام و ضحی الاسلام احمد امین، ضمن ستایش از پژوهش این مورخ مصری، بیان کرد که در نظر دارد تا نظرات او را بازتاب دهد (همایی، ۱۳۱۳: ۵۱). او با رعایت اصل امانت‌داری اعلام کرد که به دلیل پختگی و جامعیت مطالب ضحی الاسلام بعضی گزاره‌های مدنظرش را از این کتاب ترجمه و اقتباس کرده است (همایی، ۱۳۶۳: ۴). اگر فصل شعوبیه کتاب ضحی الاسلام را با محتویات کتاب همایی مقایسه کنیم درمی‌یابیم که این پژوهشگر ایرانی نظری فراتر از آن پژوهشگر مصری ارائه نداده و تنها به شرح و بسط مباحث احمد امین همت گمارده است. گذشته از این امر، مهم‌ترین نقطه ضعف کتاب همایی که البته شامل همه تحقیقات قدیمی استادان نسل اول دانشگاهی در ایران می‌شود؛ فقدان ارجاع دقیق به منابع اولیه است. همایی از معدود محققانی است که ادعا می‌کند تفکر شعوبی‌گری تا سده هفتم هجری ادامه یافت (همان: ۲). او حتی ماجرای سقوط بغداد که با همراهی علمای شیعه امامیه صورت پذیرفت را نمودی از مظاهر شعوبیه در سده هفتم هجری می‌داند (همان: ۷۸).

کتاب نهضت شعوبیه جنبش ملی ایرانیان در برابر خلافت اموی و عباسی رساله دکتری حسین علی ممتحن است که به صورت کتاب به چاپ رسید. با اینکه ممتحن از مقالات جلال‌الدین همایی الهام گرفت، پژوهش او نسبت به تحقیق همایی بسیار علمی‌تر، منسجم‌تر و دارای ارجاعات دقیق است. لحن و تحلیل‌های ممتحن عاری از سوگیری‌های ایدئولوژیک است و یک دسته‌بندی منطقی از طبقات نخبگان و انواع کنش‌های نهضت شعوبی ارائه می‌دهد. ممتحن به درستی ریشه‌های پیدایش نهضت شعوبیه را در مسئله موالی و جایگاه اجتماعی آنان در جهان اسلام جست و تقریباً یک چهارم کتاب که از فصل هفت تا دوازده را شامل می‌شود به توصیف وضعیت این گروه و کنش‌های سیاسی و علمی آنان اختصاص داد (ممتحن: ۱۳۵۴: ۱۸۰-۱۳۱). او فعالیت‌های نهضت شعوبیه را در دو حوزه فرهنگی و سیاسی اجتماعی جای داد

و در فصول مجزا شاعران، نویسندگان، جنبش‌های سیاسی و تأثیرات اجتماعی آنان را بررسی کرد. مبحث جدید و جذاب اما کوتاه ممتحن ناظر به تأثیرات اجتماعی شعوبیان است که اثرپذیری هنر، صنایع و داستان‌های عامیانه از عقاید شعوبیه را دربرمی‌گیرد (همان: ۳۴۰-۳۳۵). ممتحن، شعوبیه را به دو معنای عام و خاص دسته‌بندی کرد و معتقد بود که در معنای عام، آنان گروهی هستند که برتری عرب بر دیگر اقوام را نفی می‌کنند و در معنای خاص، دشمن عرب و قائل به برتری غیرعرب بر عرب هستند (همان: ۱۹۴). نظر ممتحن مستند به گزارش منابعی همچون *العقد الفرید* است که در آن از شعوبی‌مسلمانان با عنوان اهل‌التسویه یاد شده است (ابن‌عبدربه، ۱۴۰۴: ۳/۳۵۲). ابن‌عبدربه توضیح می‌دهد که اهل‌التسویه افرادی بودند که به آیه ۱۳ سوره حجرات استناد می‌کردند (همان: ۳/۳۵۶). ممتحن هم در نهایت به این نتیجه رسیده است که ایرانیان ناراضی از سیستم نژادگرایی اموی ابتدا با استناد به آیات قرآن خود را با عرب‌ها برابر دانستند و به آنان اهل‌التسویه اطلاق شد و این اصطلاح در عصر اموی رواج داشت. اما همین گروه پس از ساقط شدن بنی‌امیه به تبلیغ این اندیشه پرداختند که ایرانیان از اعراب برترند و اصطلاح شعوبیه و اهل‌التفضیل از آغاز دوره عباسی بر آنان نهاده شد (ممتحن، ۱۳۵۴: ۶-۵).

گونه ایرانی مطالعات شعوبیه پس از همایی و ممتحن از جهت کمیت سیر صعودی و از منظر کیفیت سیر نزولی در پیش گرفت. محمودرضا افتخارزاده از نویسندگانی است که دو کتاب در رابطه با شناخت شعوبیه منتشر کرد. نخستین اثر افتخارزاده در واقع ترجمه دو فصل مرتبط با شعوبیه کتاب *مطالعات اسلامی* ایگناس گلدزیهر است که در قالب کتابی مجزا با عنوان *اسلام در ایران؛ شعوبیه نهضت مقاومت ملی ایران در برابر امویان و عباسیان*، با همکاری محمدحسین عضدانلو ترجمه و به همراه توضیحات و حواشی مفصل منتشر شد. در آغاز کتاب، ترجمه سخنرانی دکتر ناث استاد دانشگاه راجستان هند با عنوان *اسلام در ایران* موجود است که در آن تلاش شده تا به درک متفاوت ایرانیان از اسلام در طول تاریخ و پیوند دادن این مسئله با انقلاب ۱۹۷۹ ایران توجه شود (ناث و گلدزیهر، ۱۳۷۱: ۳۲-۲۱). *شعوبیه ناسیونالیسم ایرانی* عنوان کتاب دوم و مستقل محمودرضا افتخارزاده است که مطلب علمی اضافه بر نظریات جلال‌الدین همایی و حسین‌علی ممتحن ندارد. افتخارزاده در این کتاب مطالب پراکنده و شعاری از رسوم دوره جاهلیت (افتخارزاده، ۱۳۷۶: ۵۴) گرفته تا دلایل رویداد سقیفه (همان: ۵۰) و مرتبط کردن آن با جریان ضدشعوبی را مطرح می‌کند. او در فصل سوم کتاب خویش با تقسیم‌بندی شعوبیه به سه حرکت ادبی، فرهنگی و سیاسی، شخصیت‌های آنان را به تفکیک برشمرد و معرفی کرد (همان: ۲۸۵-۱۳۷). نویسنده بیشترین تأثیر مکتب شعوبیه را در عرصه

ادبیات و شعر می‌بیند و کنش آنان در عرصه علم و فرهنگ و سیاست را بسیار اندک ارزیابی می‌کند. این تحلیل از مقایسه میزان حجم مطالب مربوط به تأثیر ادبی و سیاسی به دست می‌آید، به گونه‌ای که کنش ادبی شعوبیه در ۸۰ صفحه و کنش سیاسی آنان در ۱۳ صفحه ارائه شده است (همان: ۲۱۶-۱۳۷ و ۲۸۵-۲۷۳). افتخارزاده در بخش تأثیرات سیاسی نهضت شعوبیه به اندیشه سیاسی آنان اشاره‌ای نکرد و تنها از شرکت ایرانیان در قیام‌های ضد اموی همچون جنبش مختار (همان: ۲۷۶) و قیام ابومسلم (همان: ۲۷۸) یاد کرد. همچنین ساختار ارائه مطالب در کتاب افتخارزاده اقتباسی از کتاب نهضت شعوبیه حسین‌علی ممتحن محسوب می‌شود که دارای ۱۶ سال تقدم زمانی نسبت به پژوهش مزبور است، اما افتخارزاده در کل کتاب خود حتی یک بار هم به اثر ممتحن اشاره‌ای نکرد و ارجاع نداد. با وجود داده‌های فراوان مرتبط با شعوبیه در کتاب افتخارزاده، مطلب علمی مستدل درباره اندیشه سیاسی شعوبیه در متن آن قابل دستیابی نیست.

آثار پرشمار عبدالرفیع حقیقت با موضوع قیام‌های شعوبی ایرانیان سده‌های نخستین اسلامی از مصادیق بارز گزارش‌های توصیفی بدون تبیین است. او پیرامون قیام‌های ایرانی چندین سری کتاب با عناوین مختلف منتشر کرد که محتوای آن چندان تفاوتی با یکدیگر ندارد. تاریخ نهضت‌های ملی ایران یک مجموعه ۵ جلدی است که بخشی از آن به جنبش‌های سده‌های نخستین اختصاص دارد. قهرمانان ملی ایران نیز در ۳ جلد تدوین شد که از کاوه آهنگر آغاز و به دکتر محمد مصدق ختم می‌شود و جلد نخست آن دربرگیرنده دوران شعوبیه است. تاریخ نهضت‌های فکری ایرانیان اثری ۱۱ جلدی از عبدالرفیع حقیقت است و تکاپوهای اندیشه‌ای ایرانیان را از روزگار زرتشت تا دوره معاصر شرح می‌دهد. بهره‌گیری از یک نظریه تاریخی منسجم برای تبیین جنبش شعوبیه و قیام‌های ناشی از آن می‌تواند علاقه‌مندان به تاریخ تحلیلی را از چندین هزار صفحه مطالب تکراری عبدالرفیع حقیقت بی‌نیاز کند.

غلامرضا انصاف‌پور در کتاب روند نهضت‌های ملی و اسلامی در ایران از اسلام تا یورش مغول کوشید تا با نظریه تاریخی مارکسیسم جنبش‌های ایرانی سده‌های نخستین و میانه را تبیین کند. کتاب انصاف‌پور متشکل از ۱۵ بخش است و بخش نخست آن به مبانی نظری و تعاریف دولت، ملت و طبقات اختصاص یافته است (انصاف‌پور، ۱۳۵۹: ۴۵-۵). انصاف‌پور در بخش دوم کتاب، جنبش شعوبیه را بررسی کرد و گرچه به تحقیقات پیش از خود، داده‌های تاریخی جدیدی ارائه نکرد، تبیین منسجم‌تری از ماهیت جنبش شعوبیه و کنش آنان در اختیار مخاطب قرار داد. صورت‌بندی منظم‌تر انصاف‌پور از جنبش شعوبیه نسبت به سایر تحقیقات تا حدی مدیون بهره‌بردن او از یک نظریه سازمان‌یافته تاریخی است. با این وجود، همین امتیاز به

نقطه ضعف کتاب نیز تبدیل و سبب شد تا پژوهشگر تلاش کند مؤلفه‌هایی از نظریه مارکسیستی که ارتباط مستقیمی با واقعیات تاریخی جامعه ایران ندارد را به هر شکل ممکن در متن تحلیل وارد کند. «شعائر شعوبیان نمایشگر خواسته‌های ملی اشراف و فئودال‌ها و تا اندازه‌ای شهریان بود». (همان: ۵۵). بدون شک اگر ادبیات مارکسیستی و اصطلاحات ویژه متعلق به تاریخ اروپا از متن کتاب انصاف‌پور ویرایش و حذف شود، کتاب او از محدود پژوهش‌هایی است که به فهم ماهیت جنبش شعوبیه و ذواب‌بودن آن بسیار نزدیک شده است. ذبیح‌الله صفا جنبش شعوبیه را نه یک حرکت ادبی، بلکه خیزشی ملی و دارای ابعاد مختلف می‌داند. واقعیت آن است که گرچه اصل این مطلب که نخستین تکاپوی جنبش شعوبیه در قالب نهضت ادبی ظاهر شده، پذیرفتنی است، نادیده‌انگاشتن سایر ابعاد این جنبش از نارسایی‌های تفسیر جنبش شعوبیه است. افزون‌بر این، تقلای‌های شعوبی مسلکان در عرصه ادبیات نیز خود یک کنش سیاسی محسوب می‌شود؛ زیرا به تعبیر ذبیح‌الله صفا از آنجا که عرب‌ها به شعر و ادب و حفظ نسب مباهات می‌کردند، ایرانیان شعوبی از همین ابزارها برای مبارزه با آنان بهره بردند و حماسه‌هایی آفریدند که دلکش‌ترین آثار فکری ایرانی در این دوره است (صفا: ۱۳۳۳: ۱۴۳). همه شواهد تاریخی نشان می‌دهد که جنبش شعوبیه یک روند اجتماعی بوده است، زیرا هیچ‌گاه در قامت یک حزب متحد یا یک قیام مسلحانه منسجم ظاهر نشد. به نظر ذبیح‌الله صفا این جنبش از افراد منفردی تشکیل می‌شد که هر یک مستقل عمل می‌کرد، اما آنچه آنان را به یکدیگر نزدیک می‌کرد دشمنی با عرب بود (صفا، ۱۳۵۵: ۵۰). او واکنش‌های ایرانیان در برابر سیطره عرب را به سه نوع سیاسی، دینی و ادبی تقسیم کرده و معتقد است رهبری سیاسی آن با ابومسلم آغاز شد و حرکت ادبی در دست سایر نخبگان شعوبی بود (صفا، ۱۳۶۹: ۲۶/۱). صفا به‌درستی دریافت با اینکه شعوبیه در آغاز پیدایش بر شعارهای اسلامی تأکید می‌کردند و حتی نام خود را از آیات قرآن گرفتند، نمی‌توان آن را یک جنبش دینی برگرفته از تعالیم اسلامی دانست، بلکه باید آن را یک مسلک اجتماعی و ملی در نظر گرفت (صفا، ۱۳۵۵: ۵۰).

محتوای مقالات گونه ایرانی مطالعات شعوبیه از هرگونه نوآوری تهی است. مقاله «سایه‌های شعوبیه» فاقد نظری نو درباره شعوبیه است و مطالب کتاب‌های افتخازاده و همایی در آن تکرار شده است (عبداللهی، ۱۳۸۶، ۷۷۹-۷۶۲). مقاله «شعوبیه و تأثیرات آن در سیاست و ادب در ایران و جهان اسلام» مشابه نمونه قبلی است (بهرامی احمدی، ۱۳۸۲: ۱۶۲-۱۳۵). در مقاله «اندیشه شعوبی‌گری و ضد شعوبی‌گری در ادب عربی» اشعار تحقیقات قبلی، تکرار شده و برخلاف عنوان مقاله حتی از یک نمونه از اشعار ضدشعوبی اثری نیست و به بازگویی

کلیاتی از آراء جاحظ بسنده شده است (حاتمی، ۱۳۸۹: ۴۰-۲۱). «تأملی بر شعوبیه در ایران و اندلس» مقاله‌ای است که در آن تلاش شده تا به ریشه‌های پیدایش شعوبیه در جهان اسلام بپردازد. محتوای مقاله در زمینه تبیین عوامل پیدایش شعوبیه متکی به تحقیقات پیشین از جمله تحقیق ممتحن، همایی، گلدزیهر و عطوان است (عبداللهی، ۱۳۹۲: ۲۳۴-۲۱۶). نویسنده مقاله بدون اشاره به علل شکل‌گیری جنبش شعوبیه در اندلس به معرفی اجمالی رساله ابو عمر بن گارسیا اکتفا کرده و حتی به اصل آن رساله مراجعه نکرده است (همان: ۲۳۷-۲۳۵). مقاله «چگونگی پیدایش نهضت شعوبیه و تأثیرات فرهنگی و ادبی آن در تمدن اسلامی در عصر عباسیان» بازنویسی تحقیقات ممتحن، همایی و افتخارزاده است (زارعی، ۱۳۸۹: ۲۱۲-۱۹۳). برخی مقالات تلاش کرده‌اند تا رویکردی نوآورانه به جنبش شعوبیه داشته باشند و آن را در قالبی نوین معرفی کنند. «واکاوی نهضت شعوبیه و تبیین ادبیات پایداری در آثار برخی از شاعران و نویسندگان شعوبی» یکی از نمونه‌های این قبیل پژوهش‌هاست. فارغ از اینکه استنادات نویسنده مقاله به منابع دست‌چندم است و فقط به دو قطعه شعر از شاعران ایرانی شعوبی مسلک تازی‌سرا استناد کرده است (روستا، ۱۳۹۳: ۱۷۸ و ۱۷۶) پذیرفتن اشعار اندیشمندان این جنبش در ذیل ژانر ادبیات پایداری، امری دشوار و دور از ذهن است. گرچه برخی صاحب‌نظران حوزه ادبیات پایداری، دامنه این ژانر را به هرگونه ایستادگی و پایداری در قالب نظم و نثر تعمیم داده‌اند، بدون تردید این گونه ادبی، زاده عصر مدرن و بیشتر متعلق به فضای انقلاب‌های ملی ضد استبدادی و ضد استعماری و دوران جنگ در برابر اشغالگران خارجی است. افزون‌بر این حتی اگر بتوان ادبیات سده‌های نخستین و میانه اسلامی را با ادبیات پایداری مشابهت‌سازی کرد؛ در محتوای اشعار شاعران شعوبی، مضمون مقاومت فیزیکی و نبرد با مهاجمان وجود ندارد و عنصر اصلی تشکیل‌دهنده اندیشه شعوبی، تفاخر به گذشته ایرانیان و تمسخر پیشینه نوریسندگان عرب به منظور به چالش کشیدن مشروعیت سیاسی تازیان است. مقاله «نقش شعوبی‌گری در انتقال میراث زندیقی به اسماعیلیه» به مشابهت میان آراء زندیقان و عقاید اسماعیلیان توجه نشان داده، اما حلقه واسطه میان این دو مکتب را به درستی نکاویده است. پذیرفتنی است که اعتقاد زنادقه یا مانویان به دو اصل نور و ظلمت در مکتب اسماعیلیه به شکل باور به تفسیر ظاهری و باطنی از متون دینی جلوه‌گر شده باشد (چلونگر و دیگران، ۱۳۹۴: ۳۳) اما تبیین تأثیر اندیشه‌های شعوبیه در بازسازی تفکر زندیقان در ایران پس از اسلام و چگونگی پیوند تاریخی آن به مذهب اسماعیلیه در پژوهش مزبور به درستی ریشه‌یابی نشده است.

پایان‌نامه‌های گونه ایرانی مطالعات شعوبیه به مراتب از مقالات پیش‌گفته وضعیت

نامطلوب‌تری دارند. پایان‌نامه بررسی نهضت شعوبیه و تأثیرات سیاسی اجتماعی آن در ایران بازنویسی کتاب نهضت شعوبیه حسینعلی ممتحن است (میرزایی و نی، ۱۳۷۳: ۱۵۴-۳۵). مبانی نظری، فصل سوم و چهارم پایان‌نامه بازتاب شعوبی‌گری در شعر پارسیان تازی‌گوی یکسره رونویسی از کتاب ممتحن و پایان‌نامه قبلی است (غریب‌نژاد اصل، ۱۳۸۹: ۱۰۹-۹۱ و ۸۸-۷۳ و ۱۶-۸). عنوان پایان‌نامه چگونگی تأثیر نهضت شعوبیه بر تاریخ‌نگاری ایرانی و اسلامی بسیار نو و جذاب است، اما نویسنده آن، نه آشنا به تاریخ‌نگاری ایرانی است و نه توان نظریه‌پردازی و ارائه یک نمای کلی از تأثیرات اندیشه مکتب شعوبی بر تاریخ‌نگاری را داشته است. بیش از سه‌چهارم پایان‌نامه شامل مقدمه و تبیین ماهیت جنبش شعوبیه و مشاهیر آن است که بیشتر داده‌های آن بر کتاب ممتحن مبتنی است (نظری، ۱۳۸۸: ۱۲۸-۳۳). در زمینه مسئله پژوهش که تأثیر افکار شعوبی بر تاریخ‌نگاری است نویسنده بدون ارائه توضیحات و فقط با بسنده کردن به یک عنوان، چندین گزارش تاریخی از کتاب‌های تاریخ عمومی سده سوم و بعضی ابیات شاهنامه را پشت سر هم ذکر کرده است (همان: ۱۵۴-۱۲۹). در یکی از نمونه‌ها برجسته شدن نقش ابومسلم در براندازی امویان یا تأثیرگذاری برمکیان بر نظام اداری عباسیان، نتیجه تأثیرگذاری تاریخ‌نگاری شعوبیه دانسته شده (همان: ۱۵۳-۱۵۰) درحالی‌که مورخانی که فاقد گرایش قومی هستند و حتی مورخان نزدیک به جریان ضدشعوبی این واقعیات تاریخی صریح را ذکر کرده‌اند؛ زیرا اساساً انکار ناشدنی است. شعوبیه و شاهنامه عنوان پایان‌نامه دیگری است که به موضوعی بسیار مهم توجه نشان داده، اما نویسنده آن چنان که باید از پس تحلیل مسئله پژوهش خویش برنیامده و دلیل آن فقدان مبانی نظری در پیوند با شعوبیه و شاهنامه است. در بخش نخست پایان‌نامه که بیش از نیمی از محتوای آن را دربرمی‌گیرد، زمینه‌های تاریخی سقوط ساسانیان و ظهور شعوبیان تبیین شده و در شناسایی شاعران ایرانی شعوبی و مخالفان آنان، پژوهش ممتحن اصل و مبنا قرار گرفته است (استواری دیلمانی، ۱۳۸۵: ۱۶۲-۱۷). نویسنده در بخش دوم پایان‌نامه، شاهنامه را ابتدا از جنبه مسائل فنی ادبی بررسی کرده (همان: ۱۸۷-۱۶۶) و سپس تأثیرات اندیشه شعوبی در محتوای شاهنامه را ارزیابی کرده است. از نظر او مسائلی همچون مقایسه ایرانیان و انیرانیان، بزرگداشت آیین‌ها و رسوم کهن ایرانی، نکوهش ترکان و عرب‌ها و پاسداشت نژادگی ایرانیان در شمار محورهای اثرگذار تفکر شعوبی‌گری بر متن شاهنامه فردوسی است (همان: ۲۵۹-۱۸۸). گرچه می‌توان بیگانه‌ستیزی فردوسی را در راستای اندیشه سیاسی او و تمایلش به جناح شعوبیه تفسیر کرد، فقدان چارچوب تئوریک معین سبب شده تا نویسنده هرگونه توصیف از ایرانیان و فرهنگ ایرانی را در مقوله تأثیرات شعوبی‌گری بداند. برای نمونه وصف رسم تدفین کیکاووس به شیوه آیین زرتشتی (همان:

۲۱۷-۲۱۵) یا وصف شکار شاهان ساسانی توسط فردوسی (همان: ۲۲۰-۲۱۸) بزرگداشت آیین‌های ایرانی پیش از اسلام است و می‌تواند یکی از محورهای اندیشه سیاسی شعوبیان محسوب شود، اما پیش از برشماری و توصیف این موارد؛ ابتدا باید مبانی نظری آن تبیین شود و سپس مصادیق آن برای تقویت نظریه به خدمت گرفته شود.

نتیجه

پژوهندگان غربی تاریخ اسلام و ایران آغازگران مطالعات شعوبیه به شکل دانشگاهی و علمی بودند و آثار آنان گونه غربی مطالعات شعوبیه را تشکیل می‌دهند. گلدزیهر با اختصاص دادن دو فصل از کتاب *مطالعات اسلامی* به پدیده شعوبی‌گری برای نخستین بار باب مباحث در این باره را گشود. ادوارد براون، همیلتون گیب، اشپولر و گرشاسپ چوکسی پیرو تفسیر گلدزیهر از جنبش شعوبیه بودند و آن را حرکتی ادبی و منحصر در مجادلات متنی میان شعوبی‌ها و ضدشعوبی‌ها می‌دانستند. نگرش پژوهش‌های گونه عربی مطالعات شعوبیه تقلیل‌گرایانه نبود، اما در مقابل با پیش‌فرض بدبینانه همراه بود. گونه عربی را می‌توان به دو جریان علمی و ایدئولوژیک دسته‌بندی کرد. در جریان نخست، پژوهشگران عرب گرچه شعوبیه را یک جنبش ضداسلامی و ضدعربی تحلیل می‌کردند، می‌کوشیدند تا ادعاهای خود را مستند کنند و آن را به تحولات معاصر ارتباط ندهند. در جریان دوم یا جریان تحقیقات سیاسی ایدئولوژیک گونه عربی مطالعات شعوبیه که عمدتاً در عراق عصر صدام تولید شد، شعوبی‌گری ایرانی سده‌های نخستین اسلامی به یک جریان منادی شرک و برهم‌زننده نظم امت عربی فروکاسته شد و انقلاب اسلامی ایران و نقش ایرانیان در تحولات معاصر خاورمیانه به آن پدیده مرتبط شد. گونه ایرانی مطالعات شعوبیه تحت تأثیر ترجمه پژوهش‌های گونه غربی و عربی بود و اثر مستقل و درخوری ارائه نکرد. به جرأت می‌توان مدعی شد کتاب نهضت شعوبیه حسین علی ممتحن تنها پژوهش مستقل و ارزشمندی بود که نظریات نوین و استدلال‌های منسجمی درباره جنبش شعوبیه عرضه کرد و هرآنچه پس از آن نوشته شد، تحت تأثیر خود قرار داد.

کتاب‌شناخت

ابراهیم جفال، خلیل (۱۹۸۶) *الشعوبیه و الأدب أبعاد و مضمونات من العصر الجاهلی حتى القرن الرابع الهجری، بیروت: دارالنضال.*

ابن‌رشد، (۱۹۹۸) *الكشف عن مناهج الأدله فی عقاید المله، به اشراف محمد عابد الجابری، بیروت: مركز الدراسات الوحده العربیه.*

ابن‌عبدربه، احمدبن محمد (۱۴۰۴ق) *العقد الفرید، تصحیح مفید محمد قمیحه، بیروت: دارالکتب العلمیه.*
ابن‌قتیبه‌الدینوری، عبدالله‌بن مسلم (۱۹۹۲) *المعارف، تحقیق ثروت عکاشه، القاهره: الهیئه المصریه العامه للکتاب.*

ابن‌کثیر، اسماعیل‌بن عمر (۱۴۰۷) *البدایه و النهایه، بیروت: دارالفکر.*
استواری دیلمانی، علیرضا (۱۳۸۵) «شعوبیه و شاهنامه»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی، به راهنمایی میرجلال‌الدین کزازی، دانشگاه علامه طباطبایی.

الاسفراینی، ابوالمظفر (بی‌تا) *التبصیر فی‌الدین و تمییز فرقه‌ الناجیه عن الفرق الهالکین، تحقیق محمد زاهد الکوثری، القاهره: المکتبه الأزهریه للتراث.*

افتخارزاده، محمود (۱۳۷۶) *شعوبیه ناسیونالیسم ایرانی، قم: دفتر نشر معارف اسلامی.*

الأمین، احمد (بی‌تا) *ضحی الاسلام، بیروت: دارالکتب العربیه.*

انصاف‌پور، غلامرضا (۱۳۵۹) *روند نهضت‌های ملی و اسلامی در ایران از اسلام تا یورش مغول، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی (انتشارات فرانکلین سابق).*

البغدادی، عبدالقادر بن عمر (۱۴۰۸) *الفرق بین الفرق و بیان الفرقة الناجیه منهم، بیروت: دارالجمیل و دارالآفاق.*

بهرامی احمدی، حمید (۱۳۸۲) «شعوبیه و تأثیرات آن در سیاست و ادب در ایران و جهان اسلام»، *دین و ارتباطات*، شماره ۱۸ و ۱۹.

الجرجانی، میرسیدشریف (۱۳۲۵) *شرح المواقف، تحقیق بدرالدین نعسانی، قم: الشریف‌الرضی.*

جعفریان، رسول (۱۳۷۵) «شعوبی‌گری و ضدشعوبی‌گری در ادبیات اسلامی»، *آینه پژوهش*، شماره ۳۸.

چلونگر، محمدعلی و زمانه حسن‌نژاد (۱۳۹۳) «نقش شعوبی‌گری در انتقال میراث زندیقی به اسماعیلیه»، *پژوهش‌نامه تاریخ اسلام*، سال ۵، شماره ۱۹.

حاتمی، حسین (۱۳۸۹) «اندیشه شعوبی‌گری و ضدشعوبی‌گری در ادب عربی»، *لسان‌مبین*، سال ۲، شماره ۲.

الدوری، عبدالعزیز (۱۹۸۱) *الجدور التاريخیه للشعوبیه، دارالطبعه و الطباعة للنشر، بیروت.*

روستا، جمشید (۱۳۹۳) «واکاوی نهضت شعوبیه و تبیین ادبیات پایداری در آثار برخی از شاعران و نویسندگان شعوبی»، *ادبیات پایداری*، سال ۶، شماره ۱۰.

زارعی، احمدعلی (۱۳۸۹) «چگونگی پیدایش نهضت شعوبیه و تأثیرات فرهنگی و ادبی آن در تمدن اسلامی در عصر عباسیان»، *تاریخ‌پژوهی*، سال ۱۲، شماره ۴۴ و ۴۵.

سلطان الیوزبکی، توفیق (۱۴۱۰) «العرب فی مواجهه محاولات الفرس التخريبيه فی العصر العباسی (۴۴۷-۱۳۳۳ق)»، مجله الرفادین، العدد ۲۰.

صفا، ذبیح الله (۱۳۳۳) حماسه سرایی در ایران از قدیم‌ترین عهد تاریخی تا قرن چهاردهم هجری، تهران: پیروز.

_____ (۱۳۵۵) دلیران جانباز (مجموعه مقالات)، تهران: امیرکبیر.

_____ (۱۳۶۹) تاریخ ادبیات در ایران، تهران: فردوس.

عبداللهی، علی (۱۳۸۶) «سایه‌های شعوبیه»، چیستا، شماره ۲۴۰.

عبداللهی، علیرضا (۱۳۹۲) «تأملی بر شعوبیه در ایران و اندلس»، تاریخ‌پژوهی، سال ۱۵. شماره ۵۵.

عطوان، حسین (بی تا) الزندقه و الشعوبیه فی العصر العباسی الأول، بیروت: دارالجمیل.

عمر فوزی، فاروق (۱۴۰۵) «حول طبیعه الحركه الشعوبیه محاوله لتوضیح التناقض بین الرؤیه الشعوبیه و الرؤیه العربیه حول قضايا اجتماعیه حساسه»، المجمع العلمی العراقی، المجلد ۳۶، الجزء ۲.

غریب‌نژاد اصل، خلیل (۱۳۸۹) «بازتاب شعوبی‌گری در شعر پارسیان تازی گوی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات عربی به راهنمایی علی قهرمانی، دانشگاه تربیت معلم آذربایجان. فخرالدین الرازی، محمدبن عمر (۱۴۱۳) اعتقادات فرق المسلمین و المشرکین، تحقیق محمد زینهم، القاهره: مکتبه مدبولی.

قاسم‌بن سلام (۱۴۱۰) النسب، تصحیح مریم محمد خیر الدرع، بیروت: دار الفکر.

القاضی عبدالجبار (۱۹۶۲) المغنی فی أبواب التوحید و العدل، تحقیق جورج قنوتی، القاهره: الدار المصریه.

قدوره، زاهیه (۱۹۷۲) الشعوبیه و اثرها الاجتماعی و السیاسی فی الحیاة الاسلامیه فی العصر العباسی الاول، بیروت: دارالکتب اللبنانی.

گیب، هامیلتون الکساندر راسکین (۱۳۶۲) درآمدی بر ادبیات عرب، ترجمه یعقوب آژند، تهران: امیرکبیر.

ممتحن، حسینعلی (۱۳۵۴) نهضت شعوبیه نهضت ملی ایرانیان در برابر خلافت اموی و عباسی، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.

میرزایی‌ونی، حسین (۱۳۷۳) «بررسی نهضت شعوبیه در تأثیرات سیاسی اجتماعی آن در ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم سیاسی و معارف اسلامی، به راهنمایی یعقوب آژند، دانشگاه امام صادق.

ناث. ر. و ایگناس گلدزیهر (۱۳۷۱) شعوبیه نهضت مقاومت ملی ایران علیه امویان و عباسیان، ترجمه و تألیف محمودرضا افتخارزاده، تهران: مؤسسه نشر میراث‌های تاریخی اسلام و ایران.

نبیه حجاب، محمد (۱۹۶۱) مظاهر الشعوبیه فی الأدب العربی حتی نهائیه القرن الثالث الهجری، قاهره: مکتبه نهضه مصر.

تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سال ۳۰، شماره ۲۵، بهار و تابستان ۱۳۹۹ / ۲۶۵

نظری، سمیه (۱۳۸۸) «چگونگی تأثیر نهضت شعوبیه بر تاریخ‌نگاری ایرانی و اسلامی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، به راهنمایی عبدالرسول خیراندیش، دانشگاه شیراز.

همایی، جلال‌الدین (۱۳۱۳) «شعوبیه»، مجله مهر، شماره ۱۳.

_____ (۱۳۶۳) شعوبیه، به اهتمام منوچهر قدسی، انتشارات کتابفروشی صائب، اصفهان.

Dabiri, Gazzal (2013). "Historiography and the Sho'ubiya Movement". Journal of Persianate Studies. Vol 6.

Gibb, Hamilton A.R (1962). "The Social Significance of the Shu'ubiyya". Studies on the Civilization of Islam. Princeton: Princeton University Press.

Goldziher, Ignaz (1967). Muslim Studies, translated from the German by C.R. Barber and S.M. Stern, London: George Allen and Unwin Ltd.

Mottahedeh, Roy P. (1976). "The Shu'ubiyya Controversy and the Social History of Early Islamic Iran". International Journal of Middle East Studies. Vol 3. No 2.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

List of sources with English handwriting

Persian and Arabic Sources

- Al-Amīn, Aḥmad (n. d.), *Zahī al- Eslām*, Beirut: Dār al- Kotob al- ‘Arabī.
- ‘ Abdullāhī, ‘Alī (1386 Š.), “Sāyehā-ye Šo‘ūbīyya”, *Čistā*, No. 24. [In Persian]
- ‘ Abdullāhī, ‘Alī (1392 Š.), “Ta‘amolī bar Šo‘ūbīyya dar Īrān va Andolos”, *Tārīkpežūhī*, 15, No. 55. [In Persian]
- ‘Amr Fozī, Fārūq (1405), “Hol Ṭabī īya al- Ḥarika al- Šo‘ūbīyya Moḥāvila li Tozīl al- Tanāqoz bain al-Roya al- Šo‘ūbīyya va al- ‘ Arabīyya Hol Qazāyā Ejtīmā īyya Ḥasassa”, *al- Maǧma‘ al- ‘Elmī al- ‘Arāqī*, Vol. 36, Part 2.
- ‘Aṭvān, Hosayn (n. d.), *Al-Zanādīqa va al-Šo‘ūbīyya fi al- ‘Ašr al- ‘Abbāsī al- Avval*, Beirut: Dār al- Ĵīl.
- Al-Baǧdādī, ‘Abdulqādir b. ‘Omar (1408), *Al-Farq bayn al-Firaq va Bayān al-Firqa al- Naǧīyya Minhom*, Beirut: Dār al- Ĵīl va Dār al-Ofoq.
- Bahrāmī Aḥmadī, Ḥamīd (1382 Š.), “Šo‘ūbīyya va Taṭīrāt-e Ān dar Sīāsāt va Adab dar Īrān va Jahān-e Eslām”, *Dīn va Ertibāāt*, No. 18, 19. [In Persian]
- Čalūngar, Moḥammad ‘Alī, Zamāna Ḥasan Niżād (1393 Š.), “Naqš-e Šo‘ūbīgarī dar Entiqāl-e Mīrāt-e Zandīqī bi Esmāīlīyya”, *Pežhišnama-ye Tārīk-e Eslām*, 5, No. 19.
- Dabiri, Ghazzal (2013), “Historiography and the Sho‘ubiya Movement”, *Journal of Persianate Studies*, Vol 6., No. 1-2.
- Al-Dorī ‘Abd al- ‘Azīz (1981), *Al-Ĵozūr al-Tārīkīyya lil Šo‘ūbīyya*, Beirut: Dār al-Ṭalī‘a va al-Ṭabā‘a lil Našr.
- Ebn ‘Abdraba, Aḥmad b. Moḥammad (1404), *Al- ‘Eiqd al- Farīd*, Edited by Mofīd Moḥammad Qamīḥa, Beirut: Markaz al- Dirāsāt al- Vāḥīda al- ‘Arabīyya.
- Ebn Kaṭīr, Esmāīl b. ‘Omar (1407), *Al-Bidāya va al-Nihāya*, Beirut: Dār al- Fikr.
- Ebn Rošd (1998), *Al-Kašf an Minhāj al- Adila fi ‘Aqāyid al- Milla*, Edited by Moḥammad ‘Abid al-Ĵābirī, Beirut: Markaz al- dirāsāt al- Vāḥīda al-Arabīyya.
- Ebn Qotayba al-Dīnavarī, ‘Abdallāh b. Moslīm (992), *Al- Ma ‘arīf*, Edited by Ṭīrvat ‘Akāša, Cairo: Al- Hiata al- Mišrīyya al- ‘Ama lil Kitāb.
- Ebrāhīm Ĵafāl, ḳalīl (1986), *Al- Šo‘ūbīyya va al- Adab Ab ‘ad va Maẓmūnāt min al- ‘Ašr al- Ĵāhīlī Ḥata al-Qarn al- Rāba‘*, Beirut: Dār al- Niżāl.
- Eftīkārẓāda, Mḥmūd (1376 Š.), *Šo‘ūbīyya Nāšionālism-e Īrānī*, Qom: Dafta-e Našr-e Ma ‘arīf Eslāmī. [In Persian]
- Enšāfpūr, Ğolām Rezā (1359 Š.), *Ravand-e Nihzathā-ye Millī va Eslāmī dar Īrān az Eslām tā Yūriš-e Moǧol*, Tehran: Sāzmān-e Entišārāt va Āmūziš Enqilāb-e Eslāmī (Franklin). [In Persian]
- Al-Esfarāyīnī, Abulmoẓafar (n. d.), *Al-Tabšīr fi al-Dīn va Tamīz Firqa al-Nāǧīyya an al- Farq al- Hālkīn*, Cairo: Al- Maktaba al- Azharīyya lil Torāt.
- Faḳr al-Dīn al- Rāzī, Moḥammad b. ‘Omar (1413), *E‘tiqādāt Firaq al- Moslīmīn va al- Mošrikīn*, Edited by Moḥammad Zinahom, Cairo: Mataba Madbolī.
- Ğarīb Neẓād Ašl, ḳalīl (1389 Š.), *Bāztāb-e Šo‘ūbīgarī dat Še ‘r-e Pārsīān-e Tāzīgoy*, MA Thesis in Arabic Language and Literature, Supervisor ‘Alī Qahramānī, Azarbaijan Shahid Madani University.
- Hātāmī, Ḥosayn (1389 Š.), “Andīša-ye Šo‘ūbarīgarī dar Adab-e ‘Arabī”, *Lisān-e Mobīn*, 2, No. 2. [In Persian]
- Homānī, Ĵalāl al-Dīn (1363 Š.), *Šo‘ūbīyya*, Edited by Manūčīhr Qodsī, Isfahan: Entišārāt-e Kitābforūšī Šāeb. [In Persian]
- Homānī, Ĵalāl al-Dīn (1313 Š.), “Šo‘ūbīyya”, *Maǧala-ye Mihr*, No. 13. [In Persian]
- Ĵafarīān, Rasūl (1375 Š.), “Šo‘ūbīgarī va Zīd-e Šo‘ūbīgarī”, *Āīnāy-e Pežūhīš*, No. 38. [In Persian]
- Al-Ĵorǧānī, Mīr Sayyid Šarīf (1325 Š.), *Šarḥ al- Mavāqif*, Edited by Badr al-Dīn Na ‘sānī, Qom: Al-Šarīf al- Rażī.
- Mīrzāīvanī, Hosayn (1373 Š.), *Barrasī-e Nihzat-e Šo‘ūbīyya dar Taṭīrāt-e Sīāsī Ejtīmā ī- e Ān*, MA Thesis in Political Science and Islamic Knowledge, Supervisor Yaḳūb Āzand,

- Iman Sadiq University. [In Persian]
- Momtahin, Hosay 'Alī (1353 Š.), *Nihzat-e Šo'ubīyya Nihzat-e Millī-e Īrānīān dar Barābar-e kīlāfat-e Omavī va 'Abbāsī*, Tehran: Širkat-e Šahāmī Kitābhā-ye Jībī.
 - Nabīh Hījāb, Moḥammad (1961), *Mazāhir al-Šo'ubīyya fi al-Adab al-'Arabī Ḥatā Nihāyat al-Qarn al-Tāliq al-Hijrī*, Cairo: Maktaba Nihzat Mišr.
 - Nath, R.; Et al. (1371 Š.), *Eslām dar Īrān, Šo'ubīyya: Nihzat-e Moqāvimat-e Millī-e Īrān 'Alayh-e Omavīān va 'Abbāsīān*, Edited and translated by Maḥmūd Rezā Eftikārzāda, Tehran: Moassisa-ye Našr-e Mīrāthā-ye Tārīkī-e Elām va Īrān. [In Persian]
 - Nazārī, Saomaya (1388 Š.), *Čigūnigī-e Taḫrīr-e Nihzat-e Šo'ubīyya bar Tārīknigārī-e Īrānī va Eslāmī*, MA Thesis in History, Supervisor 'Abulrasul Khairandish, Faculty of Humanities, Shiraz University. [In Persian]
 - Ostovārī Daylamānī, 'Alī Rezā (1385 Š.), *Šo'ubīyya va Šāhnāma*, MA Thesis in Persian Language and Literature, Supervisor Mīr Jalāl al-Dīn Kazāzī, Allameh Tabataba'ī University. [In Persian]
 - Qadora, Zāhīyya (1972), *Al-Šo'ubīyya va Aṭarahā al-Ejtimā'ī va al-Sīyāsī fi al-Ḥayāt al-eslāmīyya fi al-'Ašr al-'Abbāsī al-Avval*, Beirut: Dār al-Kotob al-Lobnānī.
 - Qāsim b. Salām (1410), *Al-Nasab*, Edited by Maryam Moḥammad kair al-Dor'e, Beirut: Dār al-Fikr.
 - Al-Qāzī 'Abdaljabbār (1962), *Al-Moḡnī fi Abvāb Al-Toḥīd va al-'Adl*, Edited by Joŕj Qanavāfī, Cairo: Al-Dār al-Mišrīyya.
 - Rūstā, Ĵamšīd (1393 Š.), "Vākāvī-ye Nihzat-e Šo'ubīyya va Tabīn-e Adabīyyāt-e Pāydārī dat Āṭār-e Barkī az Šā'erān va Nevisandigān-e Šo'ubī", *Adabīyyāt-e Pāydī*, 6, No. 10. [In Persian]
 - Šafā, Zabīḥallāh (1355 Š.), *Dalīrān-e Ĵānbāz (Majmū'a Maqālāt)*, Tehran: Amīr Kabīr. [In Persian]
 - Šafā, Zabīḥallāh (1333 Š.), *Hamāsa Sarāī dar Īrān az Qadīmtarīn 'Aid tā Qrn-e Čahārdahom Hijrī*, Tehran: Pīrūz. [In Persian]
 - Šafā, Zabīḥallāh (1369 Š.), *Tārīk-e Adabīyyāt dar Īrān*, Tūs: Firdos. [In Persian]
 - Solṭān al-Yūzbeikī, Toḫīq (1410), "Al-'Arab fi Movājiḥa Moḥāvilāta al-Fors al-Taḫrībīyya fi al-'Ašra al-Abbāsī (133-477)", *Majāla al-Rāfīdīn*, No. 20.
 - Zāre'ī, Aḥmad 'Alī (1389 Š.), "Čigūnigī-ye Peydāyiš-e Nihzat-e Šo'ubīyya va Taḫrīrāt-e Farhangī va Adabī-ye Ān dar Tamaddon-e Eslāmī dar 'Ašr-e 'Abbāsīān", *Tārīkpežūhī*, 12, No. 44, 45. [In Persian]

English Sources

- Gibb, Hamilton (1974), *Arabic Literature: An Introduction*, Oxford: Oxford University Press.
- Gibb, Hamilton A.R (1962). "The Social Significance of the Shu'ubiyya", *Studies on the Civilization of Islam*, Princeton: Princeton University Press.
- Goldziher, Ignaz (1967), *Muslim Studies (Muhammedamische Studien)*, Edited by S. M. Stern, translated from the German by C.R. Barber and S.M. Stern, Vol. 254, London: George Allen and Unwin Ltd.
- Mottahedeh, Roy P. (1976), "The Shu'ubiyya Controversy and the Social History of Early Islamic Iran", *International Journal of Middle East Studies*, Vol 3, No 2.

**The Typology of Studies on the Shu'ubiyyah in the Contemporary Era
(the West, the Arab World, and Iran)¹**

Ghasem Gharib²
Javad Abbasi³
Jalal Rajaei⁴

Received: 2019/07/05
Accepted: 2019/10/15

Abstract

An analysis of the nature of the Shu'ubiyyah movement is one of the fields of the study investigated by scholars of Islamic history, Iranian studies, and the history of literature. Therefore, a vast amount of research has been conducted in books, articles, and dissertations in different languages, which have focused their attention on the study of the Shu'ubiyyah movement. However, each group of scholars has come to a different conclusion on this movement's nature, depending on whether they have viewed Shu'ubiyyah from the perspective of history, literature, or the political ideology of the time. The present study investigates the typology of studies on Shu'ubiyyah in the contemporary era, which can be divided into three different areas, namely the West, the Arab world, and Iran. This typology is not based solely on geographical and ethnic issues but rather on scholars' different views and interpretations of the movement presented in the fields mentioned above. Western scholars regard the Shu'ubiyyah movement as a purely literary one and limit it to an intellectual movement presented in texts. Many Arab scholars have faced the movement at both scientific and political-ideological levels because it was anti-Islamic in the early centuries. In the first level, Arab scholars have attempted to provide a historical explanation of the movement, whereas, in the second level, they have associated it with the changes in the contemporary Middle East and Iranians' role in regional politics. Iranian-based studies on the Shu'ubiyyah movement in the Persian language are the last category. From the beginning, Iranian-based studies have been influenced by translations provided by the Western and Arabic worlds, and except in very few cases, they have failed to understand the various dimensions of the movement.

Keywords: Studies on the Shu'ubiyyah. Typology. The West. The Arab World. Iran.

1. DOI: 10.22051/HPH.2020.31981.1449

2. Ph.D Candidate in History of Iran after Islam/ History Department/ Faculty of Letters and Humanities/ Ferdowsi University of Masshad. ghasem.gharib@mail.um.ac.ir

3. Associate Professor in History Department/ Faculty of Letters and Humanities/ Ferdowsi University of Masshad. jabbasi@um.ac.ir

4. assistant professor in History Department/ Faculty of Letters and Humanities/ Ferdowsi University of Masshad. rajaei-sj@ferdowsi.um.ac.ir

Print ISSN: 2008-8841/ Online ISSN: 2538-3507